



مفاهیم نظری و رویکردهای روش شناختی کیفیت زندگی

صغرا ذوالفقاری گرجکلائی^{*۱} - بهزاد امیری نژاد آشورآبادی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

پست الکترونیکی: zolfaghari_sbu@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی

پست الکترونیکی: Behzadamiri_amlash@yahoo.com

چکیده

چه چیزهایی یک جامعه خوب را می سازد و چگونه زندگی افراد می تواند ارتقا پیدا کند، جزء سوالات اساسی در همه زمان ها و فرهنگ ها بوده است. برای قرن ها فیلسوفان، متخصصان و متفکران سیاسی تعریف خود را از کیفیت زندگی با توجه به هنجارهای متفاوت، پیش فرض های مذهبی یا ایدئولوژیک ارائه نمودند. با این حال تنها در شروع دهه ۱۹۰۰ میلادی است که این نکته تبدیل به موضوع پژوهش های تجربی سیستماتیک شده است. در سال های اخیر نیز، علاقه رو به رشدی در زمینه پژوهش های کیفیت زندگی با هدف بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم بوجود آمده است. همچنین مطالعاتی در زمینه رضایتمندی ساکنین از کیفیت زندگی، درونداد مهمی برای سیاست گذاران و برنامه ریزان شهری شده است تا مشکلات نواحی، دلیل نارضایتی، تاثیرات جمعیتی و اولویت های شهروندان در زندگی را تشخیص دهند. کیفیت زندگی یک موضوع بسیار رایج و مشهور شده است که غالباً در بحث های روزانه شهروندان به کار می رود، اما درک درست و کامل این مفهوم بسیار دشوار است. ما در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه ای و توصیفی در پی تعیین چارچوب نظری مناسب برای تحلیل و مطالعه کیفیت زندگی با تاکید بر برنامه ریزی شهری بوده ایم. در همین راستا تعاریف ارائه شده از این مفهوم در ادبیات جهانی با تاکید بر برنامه ریزی شهری، مرور و بازبینی شده است و شیوه های سنجش کیفیت زندگی و همچنین مدل های انگاشتی مطرح شده از سوی پژوهشگران مختلف برای سنجش و ارزیابی آن در برنامه ریزی شهری ارائه شده است. هدف از نگارش این مقاله، بررسی انگاشت کیفیت زندگی و فراهم نمودن چارچوب نظری و فنی مناسب به منظور ارتقای سطح دانش مخاطبان آن می باشد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، برنامه ریزی شهری، سنجش کیفیت زندگی، سنجش عینی کیفیت زندگی، سنجش ذهنی

کیفیت زندگی، مدل های انگاشتی کیفیت زندگی